

نگاهی به تاریخچه‌ی مناظره و پیکار ادبی
با تأکید به پیکار آسمان و زمین
از منظر دو شاعر نامدار ترک: خسته قاسیم و تیلیمخان
به انضمام ترجمه خلجی آن

• علی اصغر جمراسی^۱

ÖZET: Ali Asgar CEMRASİ, "İki Ünlü Türk Şairi Hasta Kasım ve Tilimhan Örneklerinde Edebî Munazara ve Yer-Gök Savaşı", *Varlıq: Üç Aylık Türk Dili, Edebiyatı ve Kültürü Dergisi*, İkinci Dönem, Sayı: 11 (Bahar 2018/1397), ss. 71-89

Bu çalışmada, Tilimhan'a ait olduğu ifade edilen Gök ve Yer kasidesiyle Hasta Kasım'ın şiir divanında bulunan Gök ve Yer kasidesi karşılaştırılmıştır. İnceleme sonucu, her iki kasidenin de küçük farklılıklara karşın aynı olduğu tespit edilmiştir. Oysa ki Hasta Kasım Afşarlar döneminde yaşarken, Saveli Tilimhan İran'ın merkez bölgesinde ve Fethali Şah Kacar döneminde yaşamıştır. Tilimhan'ın divanında münazara biçiminde durum ifadesinin iki örneğine yer verilmiştir: Biri yer ve göğün konuşması ve diğeri koyun ve üzüm gacının münazarası.

Açar Sözler: Tilimhan, Hasta Kasım, Edebî Munazara, Yer ve Gök.

چکیده: علی اصغر جمراسی، "نگاهی به تاریخچه مناظره ادبی با تأکید به پیکار آسمان و زمین از منظر دو شاعر نامدار ترک: خسته قاسیم و تیلیمخان به انضمام ترجمه آن به ترکی خلجی"، *وارلیق: فصلنامه زبان، ادبیات و فرهنگ ترکی*، دوره دوم، شماره ۱۱ (بهار ۲۰۱۸/۱۳۹۷)، صص. ۷۱-۸۹.

در این مقاله، قصیده آسمان و زمین منتسب به تیلیمخان با قصیده آسمان و زمین کتاب اشعار خسته قاسیم مورد مقایسه قرار داده شده است. نتیجه حاصله نشان می‌دهد که با تغییرات جزئی هر دو قصیده یکی است و قصیده آسمان و زمین تیلیمخان ساوهای همان است که در دیوان اشعار تیلیمخان آورده شده است. با این تفاوت که خسته قاسیم در دوره افشاریه می‌زیسته و تیلیمخان ساوهای از شاعران بنام خطه مرکز ایران معاصر با فتحعلی شاه قاجار است.

در دیوان تیلیمخان دو نمونه از بیان زبان حال که بشکل مناظره برگزار شده ملاحظه می‌گردد؛ یکی گفتگوی آسمان و زمین و دیگری مناظره قویون و موو (میش با درخت انگور) است.

کلیدواژه‌ها: تیلیمخان، خسته قاسم، مناظره ادبی، آسمان و زمین

۱. زبان حال و مفهوم آن

^۱ مدیر بنیاد زبان ترکی خلجی.

زبان حال اندیشه یا خواست یا حالتی است که انسان در دل دارد ولی به لفظ و عبارت بیان نمی‌شود. حال در اینجا به معنای حالت و وضع درونی شخص است. به طور کلی نه به معنای حالتی که از جانب پروردگار در دل ایجاد می‌شود، بلکه صرفاً به معنی صفت است. هر چیزی اعم از انسان، حیوان، نبات و جماد، فرشته و دیو، زمین و آسمان و غیره دارای صفت یا صفاتی است. گاهی این صفت ذاتی است و گاهی عرضی، گاهی نمایش بیرونی دارد و گاهی ندارد. مثل کودکی که هنگام دیدن پستان مادر دهان باز می‌کند و گرسنگی خود را به مادر می‌فهماند. در مثالی آمده است که «لسان الحال ابین من لسان المقال» (میدانی، ۱۳۹۴: ۱۳۷) یعنی زبان حال گویاتر و روشن‌تر از زبان قال است.

بعضی مدعی شده‌اند که نمی‌توانند این صفات و یا حالات را با زبان قوه‌ای درونی بنام چشم دل یا چشم بشر ببینند و به عبارت دیگر زبان حال عالم موجود را با قوه‌ای درونی بنام گوش دل بشنوند. مثال مشهور این معنی کشف کراماتی است که به اولیاء الله نسبت می‌دهند.

زبان حال به يك معنای دیگر نیز بکار رفته است و آن شرح و بیانی است که شخصی ممکن است از حالات یا صفات موجودی بکند؛ بدون اینکه مدعی کشف و کرامات باشد. آن شرح و بیان در واقع به عبارت درآوردن حال یا کیفیت آن موجود است (خواه انسان باشد یا حیوان، یا نبات و یا جماد). مثلاً در مواردی که شیخی خود چیزی نگفته ولی نویسنده، یا شاعری از حالات او حکایت کرده و ابیاتی نقل کرده است، می‌گوید که وی به زبان حال چنین گفت. کاری که شاعر خیام در رباعیات خود کرده و سخن خود را از زبان حال موجودی بی‌جان (مثل کوزه) بیان کرده است.

در واقع هنر، نمایی شاعرانه و شگردي ادبی است و این نوع شگرد در ادبیات جهان، از جمله ادبیات فارسی و ترکی بسیار رایج بوده و نویسندگان و شاعران با استفاده از این گونه (ژانر)‌های ادبی مختلف خلق کرده‌اند. یکی از قدیم‌ترین این گونه‌های حکایت‌های کوتاه جانوران و اشیاء است. حکایت‌هایی در فرنگی به آنها «فابل» می‌گویند و مهم‌ترین هدف آن بیان تعالیم حکمت عملی است.

نوع دیگری از گونه‌های مذکور مناظره‌ها یا پیکارهای ادبی است که میان «دو یا چند شخصیت متخاصم اعم از انسان و حیوان و نبات و غیره) در پی گرفته است. (پورجوادی، ۱۳۸۵: ۳۰).

مناظره در لغت: «مباحثه کردن و بحث با یکدیگر درباره حقیقت و ماهیت چیزی، یا با هم سؤال و جواب کردن است» (دهخدا، ذیل واژه مناظره). و به تعبیری دیگر مکالمه و گفت‌وگویی است دو طرفی (dialogue) که هر طرف با استدلال و ارائه براهین، سعی می‌کند که برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات برساند. از لحاظ علم منطق، مناظره: «توجه متخاصمین است در اثبات نظر خود، در مورد حکمی و نسبتی از نسبت‌ها برای آشکار کردن حق و صواب» (معین، ج. ۴: ۴۳۷۲).

سابقه این نوع ادبی که هم جنبه تعلیمی داشته است و هم جنبه تفننی و سرگرم کننده به تمدن‌های قدیم بین‌النهرین یعنی سومرها و اکدها بر می‌گردد.

الف) مناظره در تمدن قدیم و بین‌النهرین

قدیمی‌ترین نشانه‌هایی که از گفت‌وگویی موجودات مختلف در دست است، مناظراتی است که در ادبیات سه تمدن قدیم بین‌النهرین یعنی سومری و اکادی و بابلی پیدا شده است.

تاکنون بخش‌هایی از دهها پیکار زبان حالی متعلق به این تمدن‌ها که بر روی کتیبه‌های گلی ثبت گشته پیدا شده است. قدمت این پیکارها به حدود سه هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد.

این پیکارها نمایانگر یک نوع ادبی (ژانر) است که بعداً در ادبیات ایران باستان و ایران پس از اسلام و همچنین در ادبیات سریانی و عربی و زبان‌های اروپایی در قرون وسطی تداوم یافته است.

همه پیکارهایی که از سومری‌ها به دست آمده است میان دو شخصیت زبان حالی است که از لحاظی خصم یکدیگرند و از لحاظی مکمل یکدیگرند.

در متون سریانی، مناظره‌های فراوانی رواج داشته است. قدیمی‌ترین مناظره‌ای که در زبان آرامی و سریانی به دست آمده، مناظره‌ی میان درخت انار و بوته خار است که ظاهراً فقط قطعه‌ی کوتاهی از آن بر جا مانده است:

بوته خار به درخت انار گفت:

«فایده‌ی خارهای تو برای کسی که به میوه‌ی تو دست می‌زند، چیست؟»

درخت انار به بوته خار گفت:

«تو که خودت برای کسی که به تو دست می‌زند چیزی جز یک خار نیستی.»

مناظره‌های آسمان و زمین، گفت و گوی «شیطان و مرگ»، «شیطان و فاحشه»، «کتری چای و دو پسر» و «زر و گندم» از جمله مناظره‌های متون سریانی هستند (پورجوادی، ۱۳۸۵: ۵۱).

همچنین پیکار میان بیل و خیش، تابستان و زمستان، درخت و نی، حواصیل و لاک پشت، غاز و فراغ، میش و گندم، مرغ و ماهی، شبان و کشاورز، دو سنگ آسیاب، مس و نقره است.

پیکار یا مناظره معمولاً با مقدمه‌ای که زمینه‌نبرد را آماده می‌کند آغاز می‌شود. سپس یکی از دو طرف آغاز به سخن می‌کند و از اوصاف خود یاد می‌کند و به خودستایی می‌پردازد. در پاسخ به او، طرف دیگر پیکار حریف خود را با لاف زنی و خودستایی متهم می‌کند درحالی که خودش نیز به لاف زنی و خودستایی می‌پردازد. پس از آن بار دیگر آغازگر مناظره از خود دفاع می‌کند و محاسن دیگر خود را به رخ طرف مقابل می‌کشد و معایب او را بر می‌شمارد. سپس نوبت به طرف او می‌رسد و همین کار را او انجام می‌دهد. یعنی معایب طرف را ذکر می‌کند و در ضمن نکوهش کردن او، به ذکر محاسن دیگر خود می‌پردازد. و همین‌طور گفتگو ادامه پیدا می‌کند تا اینکه سرانجام وقتی هر دو طرف از محاسن خود و معایب دیگری سخن گفتند شخصیت سومی در مقام داور وارد صحنه می‌شود و میان دو طرف آشتی می‌دهد و می‌گوید هر دوی آنها دارای محاسنی هستند و وجودشان در عالم لازم است.

ب) مناظره در ادبیات غرب

سابقه مناظره در ادبیات اروپایی، به یونان باستان بر می‌گردد. مناظره به عنوان یک شگرد ادبی در ادبیات یونانی رواج داشته است. «در ادبیات غرب قدمت مناظره به دو اثر مشهور اریستو فانس شاعر یونانی (۳۸۵-۴۵۰ ق.م)، «غوک‌ها» و «ابرها» می‌رسد که در اولی بین دو تن از تراژدی نویسان معروف به نام اوریپید و آشیل موازنه و محاکمه می‌کنند و سرانجام آشیل را ترجیح می‌دهد و در دیگری، دو مفهوم حق و ناحق با هم مناظره می‌کنند و شاعر در آن سقراط را هجو کرده است.» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۲۷۶).

شیوة سقراط در تعلیم فلسفه مبتنی بر جدال، سؤال و جواب و مناظره بود. تاسیت (وفات-۱۱۹ م.) دیگر کسی است که رساله‌ای به نام «گفت و گو در باب سخنوران» دارد. خانم میرصادقی معتقد است که در ویرژیل مناظره‌های فراوانی یافت می‌شود. (میرصادقی، ۱۳۷۳: واژه مناظره).

در قرون بعدی بیشتر آثار نوشته شده در غرب به صورت نمایشنامه و تئاتر و در قالب نثر بود که در نمایشنامه مناظره‌های فراوانی وجود دارد. مناظره در ادبیات غرب دو طرفی است و مباحثه کنندگان یا انسان‌اند یا از زمره اشیا و جانوران. مفاهیم انتزاعی هم مثل روح و لذت‌اند که در قلب شخصیت‌های انسانی فرار می‌گیرند و گاه هر کدام مظهر عقیده یا طرز فکری می‌شود و هدف شاعر یا نویسنده از مقابله و مباحث دو عنصر مخالف، اثبات نظریه خود است. این نظریه ممکن است فلسفی، اخلاقی، مذهبی، عاشقانه و سیاسی و... باشد. پس با توجه به این خصوصیات به طور کلی مناظره‌های غربی تفاوت چندانی با مناظره‌های ایرانی ندارند و این تفاوت‌ها اغلب در جزئیات است. شباهت آنها نیز بیشتر در طرفین مناظره است که اغلب گیاهان و جانوران و انسان‌ها هستند.

پ) مناظره در ادبیات عرب

سابقه مناظره نزد اعراب بیشتر به دوره اسلامی و بعد از آن بر می‌گردد. قرآن کریم به طور مستقیم و غیر مستقیم به این مسئله اشاره کرده است. در یکی از مناظره‌هایی که بین خداوند و انسان در جریان است، خداوند می‌فرماید: «الست بربکم» و پاسخ ذریه بنی‌آدم این است که می‌گوید: «بلی».

مناظره‌های فراوانی در قرآن کریم وجود دارد؛ از جمله مناظره‌ی انسان و زمین در روز قیامت. آیه ۱ تا ۴ سوره زلزالت حکایت از این سخن دارد: «اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض ابقالها و قال الانسان ما لها، یومئذ تحدث اخبارها» در قیامت، زمین سخت به لرزه در خواهد آمد و بارهای سنگین آن بیرون خواهد ریخت. چون انسان بپرسد که چه شده است، زمین از خبرهایی که در سینه دارد با او سخن خواهد گفت» (آیه‌های ۱ تا ۴، سوره زلزالت).

مناظره‌ی خورشید و ماه در قرآن کریم که این گفت و گو موضوع یکی از قدیمی‌ترین بیکارهایی که به صورت رساله به نام «تشبیه انشاق‌ها مع مناظره الشمس و القمر» از نویسنده نامعلوم در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم به وجود آمده است (پورجوادی، ۱۳۸۵: ۴۴۲).

غیر از مباحث کلامی مسلمانان با هم و نیز با معتقدان سایر ادیان، سیاست‌های عرب محض امویان به مفاخره‌گویی علیه اعراب دامن زده؛ به طوری که وقتی نهضت شعوبیه پا گرفت، نقیضه‌گویی عجم بر عرب و به عکس مضمون بسیار شایعی شد و شاعرانی در این زمینه اشعاری سرودند. اسماعیل ابن‌یسار نخستین شاعری است که در تفاخر به اجداد ایرانی خود و ترجیح آن‌ها بر عربی سخن گفت و در نهایت جانش را در همین راه از دست داد و او را در آب خفه کردند. بشار بن بردین پرچو خ تخارستانی بزرگترین شاعر ایرانی است که در دوره عباسی ظهور کرد. وی اشعار فراوانی به صورت سؤال و جواب و مناظره سروده است (صفا، ۱۳۷۲: ۱۷۹-۲۳).

مناظره در ادبیات ایران پیش از اسلام

اختلاف زیادی درباره طبیعت شعری که ایران باستان با آن آشنا بود، وجود دارد. نکته مهمی که در ابتدا به ذهن ما می‌رسد، این است که ملت ایران در چه زمانی در صحنه تاریخ به وجود آمده است؟

اگر بخواهیم به سراغ مناظره‌های قبل از اسلام برویم، باید به منظومه درخت آسوریک به زبان پهلوی اشکانی اشاره کنیم که اولین و تنهاترین مناظره‌ای است که قبل از اسلام به دست ما رسیده است.

این مناظره از یک مقدمه، گفت و گوهایی طرفین و سرانجام یک خاتمه تشکیل شده است. در واقع گفت‌وگویی است میان یک بز و درخت خرما که هر کدام خود را سودمندتر و مفیدتر می‌داند و مزایای خود را بر دیگری بر می‌شمرد.

شاعر در این منظومه از زبان درخت خرما شکل معماگونه به تشریح فواید درخت خرما برای بز می‌پردازد. مانند فواید میوه‌های آن یا ابزارهایی که از چوب و برگ و الیاف آن ساخته می‌شود. در بخش بعدی بز با او به معارضه بر می‌خیزد و او را تحقیر و استهزا می‌کند و فواید خود را مانند خوراک‌هایی که از شیر او درست می‌کنند یا کاربردی که شیر او در مراسم دینی زرتشتی دارد و نیز ابزارهایی که از اندام‌های او مانند پوست و پشم و روده و... می‌سازند بر می‌شمارد. سرانجام بز پیروز می‌شود (دکتر احمد تفضلی-تاریخ ادبیات پیش از اسلام).

مناظره درخت آسوریک:

«درختی رسته است ترا و شتر آسوریک

بنش خشک است سرش هست تر

و رگش نی ماند

برش ماند انگور شیرین بار آورد

مرتومان و بنا آنم درخت بلند

پو خونیرس دمیک درختم نیست هم تن

چی شاه اچ از خورد کذ نوک آورم بار...» (بهار، ۱۳۴۲: ۱۶).

ترجمه این اشعار:

«درختی روییده است در کشور آسورستان

بن آن خشک و سر آن تر است

برگش به نی ماند

برش به انگور شیرین بار آورد

ای مردم، نگاه کنید، منم آن درخت بلند

هیچ در زمین خونیرس درختی هم تن من نیست

چه پادشاه از من می‌خورد چون تازه آورم بار...» (همان، ۱۳۷۲: ۱۹-۱۸).

مناظره در ادبیات ایران بعد از اسلام

در مورد اینکه اولین مناظره بعد از اسلام از آن کیست، میان محققان اختلاف نظر وجود دارد اما به هر حال نمی‌توان از مناظره زیبایی باز و زاغ عنصری چشم‌پوشی کرد و آن را نادیده گرفت و اسدی طوسی را اولین مناظره سرا به شمار آورد. در هر حال، بعد از عنصری اسدی طوسی شاعری است که با مهارت کامل و استادانه به سرودن مناظره‌های پنج‌گانه خود پرداخته است که عبارت‌اند از: «عرب و عجم»، «آسمان و زمین»، «نیزه و کمان»، «شب و روز»، «مغ و سلیمان».

بعد از اسدی طوسی، امیر معزی (وفات ۵۲۰) شاعری است که در مناظره‌گویی دستی داشته است و در یک مناظره گفت و گویی با عقل دارد که در آخر آن به مدح شرف‌الدین سعدابن علی می‌پردازد:

گفتم به عقل دوش که «بیا احسن الصور» گفتا: «چگونه یافتی از حسن من خبر»

(معزی، ۱۳۸۵: ۳۴۳)

بعد از وی، سنایی مناظره‌های متعددی دارد که برای نمونه، یکی از آن‌ها را که گفت و گوی یک شخص ابله و شتر است، می‌آوریم.

ایللی دید اشتری به چرا
گفت اشتر که اندرین پیکار

گفت نقشست همه کز است چرا
عیب نقاش می‌کنی، هشدار

(سنایی، ۱۳۷۷: ۴۲)

پس از سنایی به ترتیب نظامی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، هلالی جغتایی، وحشی باقعی از شاعران کلاسیک و نیما یوشیج، بهار، اعتصامی، پیشاوری، دهخدا، ادیب‌المالک فراهانی، لاهوتی، نسیم شمال، رهی معیری، عارف قزوینی، فرخی یزدی، ایرج میرزا، شهریار، مشیری، خانلری، حمیدی شیرازی، ابتهاج، نادرپور، اخوان ثالث و شاملو از شاعران معاصر مناظره‌سرا بوده‌اند. آوردن شاهد مثال‌هایی از این شاعران باعث طولانی شدن مطلب می‌شود، در این مقاله مقدر نیست.

و اما بدون هیچ تردیدی پروین اعتصامی شاعر نامدار، بزرگترین مناظره‌گو و سرآمد مناظره سرایان ایران است. در دیوان پروین، از ۲۴۸ قطعه شعر او ۶۵ قطعه مناظره در قالب‌های قصیده، قطعه، مثنوی و مسمط وجود دارد.

۲. پیکار (مناظره) آسمان و زمین

آسمان و زمین از موجوداتی هستند که در قرآن با خداوند سخن می‌گویند (۱۰:۴۱)، ولی نمی‌دانیم که شاعران و نویسندگان دقیقاً از چه زمانی این دو را در برابر هم قرار داده و میان آنها مناظره برقرار کرده‌اند. در دست نوشته‌های کهن متعلق به کتابخانه‌ی بریتانیا، دو پیکار به زبان سریانی ثبت شده که یکی میان عدل و فضل است و دیگری میان آسمان و زمین. از نخستین پیکار فقط بخش آغازین به جامانده ولی خوشبختانه پیکار آسمان و زمین به صورت کامل محفوظ مانده است. این پیکار که به نثر است کاملاً جنبه دینی دارد و ظاهراً در مراسم مذهبی خوانده می‌شده است. تاریخ کتابت دست نوشته این اثر قرن ششم یا هفتم میلادی است ولی اصل اثر، مسلماً پیش از آن تصنیف شده است.

در اثر سومری (سریانی) پیش از آن که دو طرف پیکار کنند، مقدمه‌ای آمده است که زمینه مناظره در آن فراهم شده است. در انتهای پیکار نیز خاتمه‌ای می‌آید که در آن گفته شده است که زمانی که حضرت مریم از کلمه آسمانی باردار شد؛ زمین و آسمان با یکدیگر آشتی کردند.

آغازگر پیکار، آسمان است که یکی از فضایل خود را ذکر می‌کند و زمین بی‌درنگ به وی پاسخ می‌دهد. این گفت و گوهای کوتاه تا آخر ادامه می‌یابد.

آسمان گوید: «ملکوت و فرشتگان در من است» و زمین گوید: «کلیسا و شخص عادل در من است».

قدیم‌ترین مناظره منثور در زبان پارسی ترجمه‌ای است از اثر یوسف هروی که به میبدی نسبت داده شده است (فرائر: ۷-۱۶۶) و قدیم‌ترین مناظره منظوم یکی از قصیده‌های اسدی طوسی^۱ است.

هر چند شواهد از فرائن تاریخی چنین برمی‌آید که پیکار آسمان و زمین از دست‌نوشته‌های به یادگار مانده سریانی مقدم بر پیکار آسمان و زمین قصیده اسدی طوسی باشد.

حدود ۱۵ سال پیش در منزل یکی از دوستان همشهری بنام مشهدی عبدالله تلخابی، نوازنده سرّی ساز چوگور و علاقمند به اشعار ترکی عاشیقی، هنگامی که دفتر اشعار شخصی آن بزرگوار را تورق می‌کردم به اشعاری منتسب به حکیم تیلیم خان ساوهای از جمله به قصیده طولانی مناظره آسمان و زمین برخورد کردم که به ترکی سروده شده بود. با اجازه آن دوست ارجمند بخش‌هایی از اشعار دفتر را برای خودم مجدداً باز نویسی نمودم. سپس در سال‌های بعد آن قصیده را به ترکی خلجی برگرداندم. تا اینکه در دیوان چاپ شده حکیم تیلیم‌خان توسط جناب آقای اسدالله امیری نسخه متفاوتی از این مناظره (آسمان و زمین) را ملاحظه کردم.

لذا بر آن شدم تا کنکاشی از سابقه تاریخی این واقعه در ادبیات ترکی اطلاعاتی کسب نمایم. با مرور به آثار نویسندگان کهن ترکی به نمونه‌های زیادی از مناظرات به شکل منثور و منظوم از جمله قصیده آسمان و زمین شاعر و عارف پرآوازه آذربایجان خسته قاسیم^۲ معاصر افشاریه برخوردیم.

قصیده آسمان و زمین منتسب به تیلیم‌خان که از دوست و هم‌زبان ارجمند گرفته بودم، با قصیده آسمان و زمین کتاب اشعار خسته قاسیم مورد مقایسه قرار دادم.^۳ بدین نتیجه رسیدیم که با تغییرات جزئی هر دو قصیده یکی است و قصیده آسمان و زمین تیلیم‌خان ساوهای همان است که جناب آقای مهندس امیری در دیوان اشعار تیلیم آورده است. با این تفاوت که خسته قاسیم در دوره افشاریه می‌زیسته و تیلیم‌خان ساوهای از شاعران بنام خطه مرکز ایران معاصر با فتحعلی شاه قاجار است.

در دیوان تیلیم‌خان ما دو نمونه از بیان زبان حال که بشکل مناظره برگزار شده را ملاحظه می‌کنیم؛ یکی گفتگوی آسمان و زمین و دیگری مناظره قویون و موو (میش با درخت انگور) است.

در این سطور قصیده پیکار آسمان و زمین خسته قاسیم را جهت آشنایی علاقمندان و ادیبان و تورکولوق‌های گرامی، مورد بررسی و باز خوانی قرار داده و در پایان متن هر دو قصیده را جهت مطالعه و مقایسه به خوانندگان گرامی تقدیم می‌داریم.

مناظره آسمان و زمین در اشعار خسته قاسیم و تیلیم خان برخلاف قصیده فارسی اسدی طوسی بدون مقدمه شروع می‌شود؛ آنگاه هر يك از طرفین در قالب دو بیت از محسنات خود و معایب دیگری سخن می‌گویند.

۱- ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی شاعر قرن پنجم هجری و سراینده اثر حماسی گرشاسب نامه است. وی در سال ۴۶۵ هجری در گذشت. مقبره وی در تبریز است.

۲- خسته قاسم شاعر، عارف و فیلسوف دوره افشاریه (۱۷۶۰-۱۶۸۴ میلادی)، متولد و در گذشته تیمک‌داش می‌باشد. مقبره خسته قاسم در ۷۵ کیلومتری جاده تبریز به تهران در شهر تیمک‌داش در آذربایجان شرقی واقع شده است. این مقبره شامل یک ورودی و گنبدخانه‌ای هشت ضلعی است و در طول سال شاهد بازدید هنردوستان از نقاط مختلف ایران و سایر کشورهای همسایه می‌باشد.

۳ عبّادی قاراخانلو، محمد؛ خسته قاسیم، تبریز، نشر اختر ۱۳۸۴.

همان‌گونه که در مناظره منثور در زبان سریانی آغازگر سخن، با آسمان بود، در مناظره منظوم اسدی، خسته قاسیم و تیلیم‌خان نیز آغازگر بحث آسمان است (فراتر: ۳-۵۲).

آسمان ابله زمین بحث قیلیدیلار، آسمان دئییر: کوون و مکان منده-
دیر.
گۆیده‌دیر یارانیب اول نوقوز افلاک، ذات مطلق اول بی‌نیشان منده‌دیر.

در مناظره آسمان و زمین ترکی خسته‌قاسیم و تیلیم‌خان همانند مناظره سریانی و مناظره فارسی اسدی، آسمان به داشتن فرشتگان فخر می‌کند؛ آنگاه خطاب به زمین می‌گوید که من از تو بهترم زیرا که خداوند علاوه بر وجود کون و مکان ۹ صورت فلکی را نیز در آسمان قرار داده است، همچنین ذات مطلق واجب الوجود در من نهان گشته است.

زمین دئییر: سوزون اوژوندن سؤیله، ازل باشندان حق یارادان منده‌دیر.
او واحد و یکتا، بی‌مثلی همتا، گاهی آشکار، گاهی پنهان منده‌دیر.

آنگاه زمین به آسمان خطاب می‌کند که ای آسمان سخن از خودت بگو زیرا زیاد تند نرو که من از تو بهترم، چون از روز اول آنچه که خداوند آفریده و خلق نموده در من است. آن خدای واحد نیز گاهی آشکار و گاهی پنهان در من است.

آسمان دئییر: سنین نه‌بین وار زمین، سنی سنون اولماز هیچ غمدن امین،
اسرافیل، میکائیل، جبرائیل امین، دؤرد مقرب پیک رحمان منده‌دیر.

آسمان در جواب زمین مجدداً می‌گوید تو چه داری ای زمین؟ هرکس که دل به تو بست از غصه رها نگشت. بیاد داشته باش که چهار فرشته مقرب درگاه خداوندی یعنی؛ اسرافیل، میکائیل، جبرائیل امین در من است.

زمین دئییر: آسمان منده‌دیر بوساطت زبور ابله اینجیل صحفله تورات
هر بیر آندا گلیر نچه مین آیات دؤرد کیتاب افضل قرآن منده‌دیر.

زمین خطاب به آسمان می‌گوید: ای آسمان بساط در من نهان است، نزول آیات بیکران که هر لحظه قابل مشاهده است از جمله چهار کتاب مقدس: زبور، انجیل، صحف و تورات و از همه افضل‌تر قرآن مجید در من است.

آسمان دئییر: زمین منده نعیم وار، شوکور آلاله حق یانیندا پاییم وار
گاه نور شمس، گاه مکمل آیم وار، شب ایچینه ماه تابان منده‌دیر.

آسمان به زمین می‌گوید ای زمین نعمت‌های بی‌شمار در من است، خدا را شاکرم که از این نعمات سهمی نزد او دارم. از جمله این نعمت‌ها وجود نور خورشید و گاهی نیز در تاریکی شب، بدر کامل ماه تابان در من است.

زمین دئییر: بودور سوزون کوتاهی، اوستومه بیغیلیم انجم سپاهی،
اشاره ائیلهدی شق ائتدی ماهی، محمد(ص) تک نور یزدان منده‌دیر.

زمین به آسمان می‌گوید: مخلص کلام این است که گرچه تاریکی شب مرا احاطه می‌کند ولی، با یک اشاره از جانب حق، گاو ماهی زمین را به دو نیم تقسیم نموده و در عوض تاریکی شب وجود نازنین محمد (ص) فرستاده خداوند همچون نور الهی بر من روشنایی می‌بخشد.

آسمان دئییر: زمین سن ائیله باور، بوپوررام فلکه گردنن آوار،
زرین توپون چکیب خورشید خاور، پرتووون آستینا سالان منده‌دیر.

آسمان در جواب زمین می‌گوید: باورکن ای زمین! اگر به چرخ و فلک امر کنم گردنت را می‌شکند. کره درخشان و زرین خورشید، وقتی از مشرق طلوع می‌کند و ترا زیر پرتوهای خود قرار می‌دهد، از من است.

زمین دئییر: آسمان گتیرمزنن تاب! / چپخییسان هاوایا مانند حباب،
هایخیردی سمایا دؤندو آفتاب، / علی(ع) کیمی شیر یزدان مندهدیر.

زمین خطاب به آسمان گفت: ای آسمان، تو در مقابل من تاب نخواهی آورد، زیرا مثل یک حباب پر از هوا می‌مانی که با یک فریاد از هم متلاشی می‌شوی. حال آنکه شخصیت بزرگواری چون شیر خدا بنام علی (ع) در من است.

آسمان دئییر: من سؤزلریم بورجدور، / مندن سنه میراث نماز اوروجدور،
اون ایکی اولدوزدور، اون ایکی بورجدور، / شمس، قمر، دلو، میزان مندهدیر.

آسمان گفت: ای زمین سخنم روی بدهکاری‌های تو است. یکی از آن طلب‌های تو به من، گزاردن نماز و روزه است. برج‌های دوازده‌گانه مسیر گردش خورشید و ماه از جمله منزلگاه دلو و میزان در من است.

زمین دئییر: سؤزون ائیلهدین تامام، / اولاد رسول(ص) هزاران سلام،
اون ایکی پهلوان اون ایکی امام، / شاه مهدی صاحب زمان مندهدیر.

زمین گفت: ای آسمان تو سخنت (کلامت) را به اتمام رساندی، هزاران سلام به فرزندان رسول(ص) گرامی اسلام از جمله دوازده دلاور و دوازده امام (پیشوا) همچون صاحب الزمان مهدی موعود باد که در من مستقر هستند.

آسمان دئییر: سؤزون سؤیله‌مه عبث، / برابر اولماغا هنج ائتمه هوس،
بیت المعمور ایله بیت المقدس، / بییری یاقوت بییری مرجان مندهدیر.

آسمان خطاب به زمین می‌گوید: بیهوده سخن مگو ای زمین، هرگز هوس برابری و مقابله با من به سرت نزنند زیرا، مکان‌های مقدسی چون بیت المعمور و بیت المقدس که یکی از یاقوت و دیگری از مرجان بنا شده است، در من است.

بیت المعمور: از رسول خدا(ص) نقل شده که فرمودند بیت المعمور خانه ایست در آسمان چهارم و خدای منان آن را در قرآن بیان کرده است « والطور و کتاب مسطور فی رق منشور و البیت المعمور (سوره طور آیات ۴-۱) ». بزرگی بیت المعمور به حدی است که پانصد سال راه است و چهار درب دارد یکی از یاقوت و یکی از زبرجد سبز و دیگری از زر سخ و چهارمی از نقره خام است. در روایت دیگری که مجلسی در این باره نقل می‌کند، این خانه در آسمان چهارم بوده و از یاقوت سرخ ساخته شده است.

۱- اما شاعر (خسته قاسیم) محل بیت المقدس را هم در آسمان قرار داده است، حال آنکه بیت المقدس در زمین واقع شده و مکان اصلی آن نیز اورشلیم است. لذا جهت اطمینان از جانب نگارنده پیرامون محل وقوع بیت المقدس، مطالعه- ای بعمل آمد ولی از اینکه در آسمان باشد به نتیجه‌ای نرسید. تاجه رسد به اینکه از جنس مرجان باشد.

بیت‌المعمور همان جایگاه ستارگان در آسمان فرودین است که قرآن کریم در شب قدر از ماه رمضان به آنجا فرود آمد و سپس به تدریج بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد^۱ (کاظم موسوی بجنوردی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی).

زمین دئییر: اوزون ائیلهمه تعریف، منیم ایله اولا بیلیمزن حریف،
خلیل الله (ص) سالان کعبه شریف، حنان، منان، دیان، برهان مندمدیر.

در پاسخ زمین به آسمان گفت: ای آسمان از خودت زیاد تعریف نکن، تو حریف عظمت و بزرگی من نخواهی شد زیرا، کعبه شریفی که حضرت ابراهیم خلیل الله بنا کرده و اسماء و صفات جمیله خداوند سبحان از جمله: حنان، منان، دیان در وجود من متجلی هستند.

آسمان دئییر: زمین اولما سن ناشی، سیزی پنهان ساخلا ائیلهمه فاشی،
نچه مین قانادی نچه مین باشی، ارغنون تک مرغی خوشخوان مندمدیر.

آسمان مجددا خطاب به زمین می‌گوید: ای زمین خیلی ساده نباش، سخن خودت را نگهدار و فاش نکن، ققنوس یعنی آن مرغ خوشخوان ارغوانی رنگ که دارای هزاران بال و سر است در من است.

زمین دئییر: قبول ائتدیم بو سوزو، گل سنه گورسدیم قیزیل اوکوزو،
بیر باشی وار سکسان سککیز بوینوزو، عنبر ساچان گاو ماهیان مندمدیر.

در اینجا زمین خطاب به آسمان می‌گوید: ای آسمان این سخن تو را پذیرفتم، اما بیا من هم برای تو گاو طلائی را نشان دهم که این گاو یک سر و هشتاد و هشت شاخ دارد. بدان که گاو ماهی گیسو عنبر معطر که با شاخ هایش زمین را نگهداشته است در من است.

بو خسته قاسیمین واردیر اسری، فارغ اولماز هئچ غوغادان بو
سری،
زمین دئییر گویه سوز مختصری، محشر گونو داد و دیوان مندمدیر.

در پایان مناظره سراینده قصیده آسمان و زمین با ذکر نام خود خطاب به خویشتن خویش می‌گوید: این قاسیم میتلا به نوعی خستگی و درد درونی است که هیچگاه سرش از گرفتاری‌ها فارغ نمی‌شود. زمین خطاب به آسمان می‌کند و می‌گوید: روز قیامت (محشر) کرسی داد و دیوان در من مستقر است.

مقایسه قصیده زمین و آسمان دیوان تیلیم خان و خسته قاسیم

تیلیم‌خان ساوهای	خسته قاسیم
زمین و آسمان مباحث ائتدی، آسمان دندی اول لامکام مندمدیر. عرش و کرسی، لوح و قلم، نه افلاک، شمس و منیر، ماه تابان مندمدیر.	آسمان ایله زمین بحث قیلدیلاز آسمان دئییر: کوون و مکان مندمدیر. گویدمدیر یارانیب اول دوقوز افلاک ذات مطلق اول بی نیشان مندمدیر.

۱ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی؛ تهران سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴.

- زمین دئییر: سوزون اوزوندن سؤیله،
ازل باشندان حق یارادان مندهدیر.
او واحد و یکتا، بی‌مثل همتا،
گاهی آشکار گاهی پنهان مندهدیر.
- آسمان دئییر: سنین نهمین وار زمین،
سنی سئون اولماز هیچ غمدن امین
اسراقیل، میکائیل، جبرائیل امین،
دؤرد مقرب پیک رحمان مندهدیر.
- زمین دئییر: آسمان مندهدیر بوساط
هر بیر آندا گلیر نچه مین آیات
زبور ایله اینجیل صحفله تورات
دؤرد کیتاب افضل قرآن مندهدیر.
- آسمان دئییر: زمین منده نعیم وار
شوکور آلاه حق یانیندا پاییم وار
گاه نور شمع، گاه مکمل آییم وار
شب ایچینده ماهی تابان مندهدیر.
- زمین دئییر: بودور سوزون کوتاهی،
اوستومه بیغیلب انجم سپاهی،
اشاره انیلهدی شق انتدی ماهی،
محمد(ص) تک نوری یزدان مندهدیر.
- آسمان دئییر: زمین سن انیله باور،
بویوررام فلکه گردنن آوار
زرین توپون چکیب خورشید خاور،
پرتوون آستینا سالان مندهدیر.
- زمین دئییر: آسمان گتیر مزسن تاب!
چیخیسان هاوایا مانند حباب،
هابخیردی سمایا دؤندو آفتاب،
علی(ع) کیمی شیر یزدان مندهدیر.
- آسمان دئییر: من سوزلریم بورجدور،
مندن سنه میراث ناماز اوروجدور،
اون ایکی اولدوزدور اون ایکی بورجدور،
شمس، قمر، لئو، میزان مندهدیر.
- زمین دئییر: سوزون انیلهدین تامام
اولاد رسول(ص) هزاران سلام،
اون ایکی پهلوان اون ایکی امام
- زمین و آسمان بحث انیلهدیرلر
زمین دئییر شفیع عسان مندهدیر
بانی ارض و سما هر ملکونات
پیغمبر آخر زمان مندهدیر
- آسمان دئییر منده وار دور جبرائیل
قابض ارواح عزرائیل و اسراقیل
سود وزیان، وزن وکیل میکائیل
ملائک مقربان مندهدیر.
- زمین دئییر صاحب شمشیر سنان
استاد جبرائیل میر مؤمنان
قاضی عرصات قاسم الجنان
شاه مردان شیر یزدان مندهدیر.
- آسمان دئییر منده هزاران هزار
حقه ذکر انیلهدیلر ملانکه وار
هزار باشلی فرشته وار، او بازار
لوح محفوظ سر دفتران مندهدیر
- زمین دئییر منده طریق متین
مؤمنه آساندیر منکره چتین
بولو بیردیر بیتمیش ایکی ملتین
دورد کتابه افضل قرآن مندهدیر.
- مسجد اقصی و او بیت المعمور
مرغ عظیم وار دیر دهانینده نور
وقت شناس موزن صبور و شکور
عرش خوروزو او خوش الحان مندهدیر.
- زمین دئییر زمزم چشمه‌ی ظریف
حجرالاسود دیر نامه‌ی تعریف
بیت ابراهیم اول کعبه شریف
اول بیت الله قبله نشان مندهدیر.
- آسمان دئییر زمین وئررم نشانی
زیاده اولما حدیثی تانی
انبیالار اولیالار مکانی
بیر ارم و بیئدی رضوان مندهدیر.
- زمین دئییر دینمه اوجادان باخان
کبر و غرور اندیب هوایا چیخان
دوشنلر آل رسولی بابخان

جەنم و نار و سوزان مندەدیر.

شاه مەھدی صاحب زمان مندەدیر.

دوزولموش بېر ملك بالیلە ئۇمی
ھەر فلکە دگدی براقین سۇمی (دېرناقی)
شېب معراج گۆردو نبی امی
صاف زمرد آب خضران مندەدیر.

آسمان دئییر: سۆزون سۆیلەمە عبث
برابر اولماغا ھىچ انتمە ھوس
بیت المعمور ایله بیت المقدس
بېری باقوت بېری مرجان مندەدیر.

شاه شەھید ائتلرین قوربانى
فوك انیلەین اول صفحە عصیانى
ملائکلر پاسیانى دربانى
تشنە جگر شاه رضوان مندەدیر.

زمین دئییر: اوزون انیلەمە تعریف،
منیم ایله اولای بیلیمسن حریف،
خلیل اللہ(ص) سالان کعبە شریف
حنان، منان، دیان برهان مندەدیر.

آسمان دئدی مندە ھاوا قاتیشیر
رعد برق و تیر شەھاب آتیشیر
آب رحمت مندن سنە ساتیشیر
ابر و باد و باران مندەدیر.

آسمان دئییر: زمین اولما سن ناشی
سیرى پنهان ساخلا انیلەمە فاشی،
ننچە مین قانادی ننچە مین باشی،
ارغنون تگ مرغی خوشخوان مندەدیر.

زمین دئدی یابیم قیشیم دویونور
پاییز اولور آغاچلاریم سویونور
باھار گلیر صحرا سیزه گئیونور
لالە چمن مرغزاران مندەدیر.

زمین دئییر: قبول ائتدیم بو سۆزو
گل سنە گۆرسدیم قیزیل اؤکوزو
بیر باشی وار سکسان سککیز بوینوزو
عنبر ساچان گاو ماھیان مندەدیر.

آسمان دئدی مندە قدسیان پاک
تمامی هوشمند صاحب ادراک
بئددی طیق اون بئش حجاب نه افلاک
قاب قوسین پرده نهان مندەدیر.

زمین دئدی صدر گلشن حسنینه
محرم اسرار دور سر مابینه
بئتیشدی او عدنا قاب قوسینه
حبیب الله عزیز مہمان مندەدیر.

آسمان دئدی مندە مہر درخشان
بی طناب بی دیرک نیلگون ایوان
زحل قمر مریخ عطارد کیوان
بئددی کوکب بئدی نشان مندەدیر.

زمین دئدی مندە بئددی گوشه وار
ننچە دریا ننچە شیرلی بیئشہ وار
راه ظلماته چوخ اندیشہ وار
چشمہ خضر آب حیوان مندەدیر.

آسمان دئدی حمل ثور و جوزانی
سرطان اسد سنبلہ و میزانى

عقرب و قوس، جدي حوت نشانی
اون ایکی برج دلو میزان منهدیر.

زمین دندی منده چهارده نامی
تانیبیرلار اون ایکی پاک امامی
یوز ایگیرمی دورت مین پیامیر هاهی
اولیلار یاخشی یامان منهدیر.

آسمان دندی منده کهکشان راهی
ضعیف هلال قیل لام بدر اولان ماهی
جاری اولان گوندن حکم الهی
پروین ساییز کواکیان منهدیر.

زمین دندی بسله میشم چوخ راهی
صاحب کمر تاجی تختی کلاهی
چرنده پرندہ گاوینن ماهی
حوری پری جن و انسان منهدیر.
آسمان دندی گدالرین دیلنیر
محنت سویو اوزلرینه چیلنیر
سنین خلقین روزی ایچون بیلنیر
ملانک بی آب و نان منهدیر.

زمین دندی سانماگینان مسکینم
سبک بیلمه پر معنی و سنگینم
گوهریم وار دریالاردا زنگینم
قیزیل گوموش گوهر و کان منهدیر.

آسمان دندی منده نور مطلقده
دیلری دعاده باشلاری حقده
ذکره مشغولولار هم اول وقتده
باخ گور نور فرشتگان منهدیر.

زمین دندی منده اوخونار قرآن
و حی لری بندهیه دلیل و برهان
کافر شقی شیعه مؤمن مسلمان
یقیندیر چوخ فاضلان منهدیر.

آسمان دندی قوس و قزح تۆکهرم
ایاز اولوب بولوت کؤکسون سؤکهرم
گنجه گوندوز ثواب گناه چکهرم
ترازوی سود و زیان منهدیر

زمین دندی آسمان دئمه سرسری

محشرده بيلينير هر كيمين يئري
تيليم بسدير سؤيله سؤز مختصري
محشر گوني عالي ديوان مندهدير.

برگردان قصیده آسمان و زمین خسته قاسیم به ترکی خلجی

یئرله کۆک دانیشاقی

Yérle Kök Danişığı

برگردان ترکی خلجی	خسته قاسیم
کۆکله یئر بی‌کون بحث‌که توشدولر، کۆک هایبیر: کوون و مکان مندیچر. بی‌کون چه خلق شامیش توققوز افلاکی، ذات مطلق ازل نشان مندیچر.	آسمان ایله زمین بحث قیلدیلا آسمان دئییر: کوون و مکان مندهدیر. گۆیده‌دیر یارانیب اول توققوز افلاک ذات مطلق اول بی‌نیشان مندهدیر.
یئر هایبیر: سوزوین اوزوین ده هایبی، اوال باشدا حق یاراتمیش مندیچر. او واحد و یکتا، بی‌مثل و بی‌همتا، گاه آشکار گاه داق پنهان مندیچر.	زمین دئییر: سوزون اوزوندن سؤیله، ازل باشدان حق یارادان مندهدیر. او واحد و یکتا، بی‌مثل همتا، گاهی آشکار گاهی پنهان مندهدیر.
آسمان هایبیر: سنین نسه‌مین وار زمین، هیشه گیلین اوماز هنج غم ده امین، اسرافیل میکائیل جبرائیل امین تورت مقرب پیگ رحمان مندیچر.	آسمان دئییر: سنین نه‌مین وار زمین ، سني سنون اولماز هیچ غمدن امین اسرافیل، میکائیل، جبرائیل امین، دؤرد مقرب پیگ رحمان مندهدیر.
یئر هایبیر: آسمان مندیچر بوسات ، هر بی دمه کلیر نچه مین آیات، زبورلا اینجیل و صحفلا تورات، تورت کیتاب افضل قرآن مندیچر.	زمین دئییر: آسمان مندهدیر بوساط هر بیر آندا کلیر نچه مین آیات زبور ایله اینجیل صحفله تورات دورد کیتاب افضل قرآن مندهدیر.
آسمان هایبیر: زمین مندیچه نعیم وار، آللاهما شوکر حق یانینجا پانیم وار، گاه نور شمس گاه داق کامل هایبیم وار، کئچلرچه ماه تابان مندیچر.	آسمان دئییر: زمین منده نعیم وار شوکور آلاهی حق یانیندا پانیم وار گاه نور شمس، گاه مکمل ایبیم وار شب ایچینده ماهی تابان مندهدیر.
زمین هایبیر: آسمان کلی بیلمه‌مین اس سن تاب، هونموشه‌مین یوققار قا مثل بی حباب، هافقوردو سماقا هوندو آفتاب، علی وارا شیر یزدان، مندیچر.	زمین دئییر: آسمان گتیر مزن سن تاب! چیخیسان هاوایا مانند حباب، هایخیردی سمایا دوندو آفتاب، علی(ع) کیمی شیر یزدان مندهدیر.
کۆک هایبیر: سوز هایما بوچ و عبث، برابر اولماغقا هنج انتمه هوس، بیت‌المعمورلا بیت‌المقدس، بی سی یاقوت بی سی مرجان مندیچر.	آسمان دئییر: سوزون سؤیلمه عبث، برابر اولماغا هنج انتمه هوس، بیت‌المعمور ایله بیت‌المقدس، بیری یاقوت بیری مرجان مندهدیر.
یئر هایبیر: آسمان توتام من آرام،	زمین دئییر: سوزون انیله‌دین تامام

- اولاد رسوللا (ص) هزاران سلام،
اون ایکی پهلوان اون ایکی امام
شاه مهدي صاحب زمان مندهدير.
- رسولين كاللارينه هزاران سلام،
اون اككي سليمان اون اككي امام،
مهدي هادي صاحب زامان مندي چر.
- آسمان دنئير: من سؤزلريم بورجور،
مندن سنه ميراث نماز اوروجور،
اون ایکی اولدوز دور اون ایکی بورج
دور،
شمس، قمر، دلو، میزان مندهدير.
- كؤك هايير: اي زمين سؤزلريم بولار،
منده سنه ميراث، نماز اوروج آر،
اون اككي يولدوز آر، اون اككي بورج آر،
شمس و قمر، دلو و میزان مندي چر.
- زمين دنئير: اوزون ائيله مه تعريف،
منيم ايله اول بيلمز سن حريف،
خليل الله (ص) سالان كعبه شريف
حنان، منان، ديان برهان مندهدير.
- زمين هايير: اوزوننده ائتمه تعريف،
منديله سن اولوبيلمهين اس حريف،
خليل الله هاتغيلي كعبه شريف،
حنان و منان، ديان و برهان مندي چر.
- آسمان دنئير: زمين اولما سن ناشي
سيزي پنهان ساخلا ائيله مه فاشي،
نچه مين قانادي نچه مين باشي،
ارغنون تگ مرغي خوشخوان مندهدير.
- زمين دنئير: بودور سوزون کوتاهي،
اوستومه بيغيب انجم سياهي،
اشاره ائيله دي شق ائندي ماهي،
محمد (ص) تگ نوري بيزدان مندهدير.
- آسمان دنئير: زمين سن ائيله باور،
بويورام فلکه گردنين آوار
زرين تيون چکيب خورشيد خاور،
پرتوون آستينا سالان مندهدير.
- زمين دنئير: قبول ائتدیم بوسوزو
گل سنه گورسدیم قيزيل اؤكوزو
بيز باشي وار سكسان سكکيز بوبنوزو
عنبر ساچان گاو ماهيان مندهدير.
- بو خسته قاسيمين واردير اسري،
فارغ اولماز هنج غوغادان بو سري،
زمين دنئير گويه سوز مختصري،
محشر گونو و ديوان مندهدير.
- بو خسته قاسيمين وار آر اسري،
فارغ اولماز هنج غوغادا بو سري،
زمين هايير کؤکگه سوز مختصري،
محشر کونو داد و ديوان مندي چر ■

منابع

- امير معزي، محمد بن الملک (۱۳۸۵). ديوان اشعار، محمدرضا قنيري، ج. اول، نشر زواري، تهران.
اميري، اسدالله (۱۳۸۶). حکيم تيلم خان ديواني، قم.
انوشه، حسن (۱۳۷۶). دانشنامه ادب فارسي، ج. دوم، ج. اول، سازمان چاپ و انتشارات، تهران.

- بهار، محمدتقی (۱۳۴۲). *سبک شناسی (تاریخ تطور شعر فارسی)*، به کوشش علیقلی محمودی بختیاری، چ. اول، موسسه مطبوعات علمی، تهران.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۵). *زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی*، چ. اول، انتشارات هرمس، تهران.
- دائره‌المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۴). زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی؛ سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ. اول، تهران.
- سنایی غزنوی، ابو‌الحمیدبن‌آدم (۱۳۷۷). *حدیقه الحقیقه*، تصحیح محمد روشن، چ. اول، نشر نگاه، تهران.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲). *تاریخ ادبیات در ایران*، چ. سیزدهم، انتشارات فردوس، تهران.
- عبادی قاراخانلو، محمد (۱۳۸۴). *خسته قاسیم*، نشر اختر، تبریز.
- قرآن کریم
- میدانی، احمد بن محمد (۱۳۹۴). *مجمع الامثال: همراه با معادل فارسی*، ترجمه: مصطفی تراویده، عصر زندگی، تهران.
- میرصادقی، میمنت (۱۳۸۵). *واژنامه هنر شاعری*، چ. سوم، انتشارات مهناز، تهران.